

**Explanation and analysis of the position of Salafism in the
Kurdistan province and its impact on the national security of the
Islamic Republic of Iran**

Homayon Mahmoudi¹

Received: 26 July 2025

Abas Salehi Najaf Abady²

Reception: 31 August 2025

Ghasem Torabi³

Abstract:

The growth of Salafism with its specific and extreme interpretation of Islam has been growing significantly for several years in the Sunni and Kurdish areas of Iran, especially the Kurdistan region of Iran. Ideological and intellectual developments as well as security and religious events in Kurdistan province have made this issue important. Therefore, according to the importance of the topic, in this research, we investigated Salafism and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran (a case study of Kurdistan province), and we are trying to answer the following question: What effect has the spread of Salafism in Kurdistan province had on the national security of the Islamic Republic of Iran? The hypothesis is that there is a meaningful link between the spread of Salafism in Kurdistan province and the national security of the Islamic Republic of Iran. The findings of the research show that the religious background of Kurdistan Province and on the other hand the proximity to the borders of the Kurdistan Region of Iraq have provided the basis for the tendency to think that the national security of the Islamic Republic of Iran is affected by such a phenomenon. This paper uses descriptive-analytical methods and library resources.

Keywords: Salafism, security, national security, Kurdistan province of Iran

¹Ph.D. Student

²Assistant professor

³Professor

فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، سال پنجم شماره اول (پیاپی ۱۴)، بهار ۱۴۰۵، صص ۹۶-۷۰
<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.542609.1324>

تبیین و تحلیل جایگاه سلفی‌گری در استان کردستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹

همایون محمودی^۱

عباس صالحی نجف آبادی^۲

قاسم ترابی^۳

چکیده

رشد جریان سلفی‌گری با خوانش مختص و افراطی خود از دین اسلام، چند سالی است که در مناطق سنی نشین و کردنشین ایران خصوصاً کردستان ایران رشد قابل توجهی داشته است. اقدامات و تحولات عقیدتی و فکری و نیز رخدادهای امنیتی و مذهبی در استان کردستان، باعث اهمیت پیدا کردن این موضوع شده است. به همین دلیل و بنا به اهمیت موضوع، در این پژوهش به بررسی سلفی‌گری و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی استان کردستان)، پرداخته ایم و بر آن بوده ایم تا به سوال زیر پاسخ دهیم: گسترش سلفی‌گری در استان کردستان، چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ مطرح می‌شود آن است که بین گسترش سلفی‌گری در استان کردستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پیوند معناداری وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که بستر مذهبی استان کردستان و از سوی دیگر همجواری با مرزهای اقلیم کردستان عراق زمینه‌گرایش به این تفکر را فراهم نموده است که امنیت ملی اجمه‌وری اسلامی ایران متأثر از چنین پدیده‌ای است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی، تحلیل با استفاده از ابزار اسنادی است.

واژگان کلیدی: سلفی‌گری، امنیت، امنیت ملی، استان کردستان ایران.

^۱ دانشجوی دکتری

^۲ استادیار علوم سیاسی

^۳ استاد علوم سیاسی

ظهور و تکامل جنبش‌های سلفی‌گری سابقه دیرینه‌ای دارد. تولد جهان مدرن و نهادهای جدید برآمده از آن برای ترویج سبک جدیدی از زندگی منجر به ظهور نیروهای متضادی شد که بنیان زندگی مدرن را به چالش کشیدند. چنین پدیده‌ای اگرچه در جهان غرب و در قامت بنیادگرایی مسیحی نسبت به سایر مناطق جهان دارای تقدم وجودی بیشتری است، اما تبعات و پیامدهای کنش‌گری جنبش‌های سلفی‌گرا در جهان اسلام و خاورمیانه سطح متفاوت‌تر و گستره وسیع‌تری را نمایان می‌کند، به نحوی که در سال‌های اخیر امنیت ملی بسیاری از کشورهای منطقه در پرتو اقدامات سلفی‌گرایان وضعیتی در معرض فروپاشی قرار را تجربه نمودند. جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس است که در سال‌های اخیر امنیت ملی آن از جانب گروه‌های سلفی‌گرا مورد تعرض قرار گرفت.

یکی از مولفه‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران مسئله دین و مذهب است. خدشه وارد کردن به دین و مذهب به معنای خدشه وارد کردن به امنیت ملی است. در سال‌های اخیر در ایران و خصوصاً در استان کردستان، ظهور گروه‌های تندرو مذهبی همچون گروه‌های سلفی و انجام فعالیت‌هایی چون ترور، بمب‌گذاری و را شاهد بوده ایم و فعالیت گروه‌های تروریستی با تفکر سلفی سبب شده که بسیاری از اندیشمندان با حساسیت ویژه در صدد آشکار نمودن ماهیت پلید این نحله انحرافی برآمده و از سوی دیگر، مسئولین نیز بر خطر گسترش تفکر سلفی‌گری در ایران و خصوصاً استان کردستان و پیامدهای مذهبی و امنیتی آن، بخصوص تاثیر منفی آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاکید ورزند. علیرغم وجود مباحث آکادمیک در مورد وهابیت و سلفیت و گروه‌های مذهبی انحرافی و تندرو، بحث در باب تاثیرات رادیکالیزم سلفی‌گری در استان کردستان (به عنوان یک استان سنی‌نشین) بسیار اندک می‌باشد. از این رو و با در نظر گرفتن وقایع امنیتی در سال‌های اخیر در استان کردستان، ضروری می‌نماید به این مهم پرداخته شود. با توجه به گستردگی مطلب ضروری است بصورت تحلیلی تاثیر گسترش سلفی‌گری بر امنیت ملی (مطالعه موردی استان کردستان) مورد بررسی قرار

گیرد. در این پژوهش به بررسی سلفی‌گری و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی استان کردستان)، پرداخته شده است و سعی بر آن بوده تا به سوال زیر پاسخ داده شود: گسترش سلفی‌گری در استان کردستان، چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ مطرح می‌شود آن است که بین گسترش سلفی‌گری در استان کردستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پیوند معنا داری وجود دارد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی، تحلیلی با استفاده از ابزار اسنادی است.

۱- ادبیات پژوهش

منصوره اعظم آزاده و هاوژین بقالی در مقاله‌ای (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی سلفی‌گری به مثابه یکی از منابع هویت‌ساز در کردستان ایران»، معتقدند حمله نیروهای ائتلاف در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق باعث شد دو کشور ایران و عراق از جمله مناطقی باشند که وجود جریان فکری و اجتماعی سلفی‌گری را در بین خود بپذیرند. آنها ساختار و نحوه سازماندهی سلفی‌های کرد ایران را در قالب چهار دسته جهادی‌های رادیکال، جهادی‌های میانه‌رو، غیرجهادی‌های سنتی و غیرمحافظه‌کار تقسیم بندی کرده و بر این باورند که سلفی‌گری در واقع نوعی هویت مقاومتی مبتنی بر مفهوم شمولیت دین در برابر گفتمان غالب و سکولار جامعه کرد را مطرح می‌کند و بدین وسیله آن را برای دیگران به نمایش می‌گذارد. فرهاد بیانی و سید حسین سراج‌زاده در مقاله‌ای (۱۴۰۰) با عنوان «در جستجوی رستگاری: تبیین جامعه‌شناختی بنیادگرایی اسلامی در کردستان ایران»، در پی آشکار کردن دلایل و ریشه‌های اجتماعی گرایش افراد بین ۱۵ تا ۴۵ سال در استان کردستان به بنیادگرایی اسلامی هستند. از نگاه نویسندگان تلقی حداکثری از دین، بحران معنا، خوانش غیر تاریخی از اسلام، تقدم عقیده بر جان و غرب‌ستیزی مهم‌ترین مولفه‌های اجتماعی در گرایش و گسترش سلفی‌گری در استان کردستان است.

امید قادر زاده و کاوه عباسی در مقاله (۱۴۰۱) با عنوان «سلفیست به مثابه سبک زندگی: تحلیل روایت سلفی‌های جهادی استان کرمانشاه» بیشتر توجه را به شفاف

سازی سبک و ماهیت سلفی‌ها معطوف داشته‌اند از نگاه نویسندگان سبک زندگی سلفی‌های مورد مطالعه ماهیت جهادی، بازگشت به سنت و مقاومت دارد. عباس جونگ و سامان ابراهیم زاده در مقاله (۲۰۲۴) با عنوان «احمد مفتی زاده و ایده حکمرانی اسلامی: تحلیل سنت گفتمانی در حوزه اسلامی سیاسی» با بررسی افکار و اندیشه‌ها احمد مفتی‌زاده به بررسی ایده اسلام سیاسی به عنوان یک سنت گفتمانی در متن کردستان ایران می‌پردازد. این مطالعه با مفهوم‌سازی اسلام سیاسی به‌عنوان یک سنت گفتمانی، پیوندهای متقابل پیچیده، پیکربندی‌ها و احتمالات تاریخی مؤثر بر گفتمان‌ها و جنبش‌های اسلام‌گرایان را روشن می‌کند. این تحقیق با تمرکز بر یک سنت گفتمانی تأثیرگذار و در عین حال کمتر مورد بررسی قرار گرفته در کردستان ایران طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، ماهیت ترکیبی گفتمان‌های اسلام‌گرا را تأیید می‌کند و از سنت‌های متنوع برای تحقق اهداف خاص استفاده می‌کند.

در زمینه گسترش و گرایش به سلفی‌گری و جنبش‌های اسلامی در مناطق سنی نشین غرب کشور، ما با فقر منابع مواجه هستیم و نگاشته و نوشته‌های کافی در این زمینه هنوز به رشته تحریر در نیامده است. لذا در باب نوآوری پژوهش حاضر باید عنوان نمود که نوشته حاضر با بررسی دلایل و زمینه‌های گرایش به سلفیسم در استان کردستان و همچنین تأثیر مستقیم چنین پدیده‌ای بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تمایز آشکاری با سایر منابع در این حوزه دارد و اولین نگاشته‌ای محسوب می‌گردد که پیوند میان سلفیسم در استان کردستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به تصویر می‌کشد.

۲- چارچوب مفهومی (مفهوم‌شناسی امنیت)

در این قسمت به عنوان مروری بر مفاهیم تحقیق، کوشش خواهد شد سیر تحول و تطور مفاهیمی مانند امنیت مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. امنیت مفهومی مبهم

"امنیت ملی" اساساً تعبیری مدرن است که با تکوین دولت‌های ملی معنا و مفهوم بافته است. مطالعات امنیت ملی نیز بحثی جدیدتر و مربوط به قرن بیستم است (f. n. trager, 1973: 35-36). در حالی که "امنیت" مقوله‌ای کهن و

دیرینه است که با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد (رضوانی، ۱۳۸۷: ۳). آدمی آن گاه که بر هیبت و هویت اجتماعی در نیامده بود نیز به امنیت به چشم آشنایی همیشه همراه می‌نگریست (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۱۷). اما به مرور زمان و با تحول در زندگی و هویت اجتماعی مفهوم امنیت نیز دگرگون شد.

در میان مفاهیم رایج در روابط بین الملل و مطالعات استراتژیک، شاید هیچ مفهومی به اندازه امنیت و امنیت ملی و در عین فراگیری و پیدا کردن مقبولیت عامه، نارسا، مبهم و یا غیر توسعه یافته، جدال انگیز و متناقض نما نباشد. این مفهوم چند لایه و پیچیده، ابعاد گوناگونی نیز به خود گرفته است که در یک ارزیابی اولیه، آن را به عنوان یک مفهوم توخالی تعریف کرده‌اند. مفهوم امنیت دارای پیچیدگی‌های خاص خود است. که در تعریف این مفهوم همراه نگرش‌ها و تعاریف مختلفی حاکم بوده که باعث شده در عین ارائه یک سری تعاریف، ابعاد دیگری از لایه‌های چنین مفهومی از نظرگاه معنای پوشیده بماند، که این امر از بر پیچیدگی و جنبه ابهام آلود این مفهوم افزوده است (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۶).

یکی از تعاریف پایه‌ای امنیت عبارت است از: حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی) و همچنین احساس ایمنی (امنیت ذهنی). همچنین امنیت دلالت بر احساس فارغ بودن از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی می‌باشد، دارد و مشتمل بر حفاظت جامعه در برابر لطمه خوردن به نهادها و ارزش‌های بنیادین جامعه است (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴).

امنیت برای هیچ کس به صورت کامل و مطلق فراهم نیست. بلکه پدیده و امری نسبی می‌باشد و تماماً به میزان قابلیت‌های داخلی و کیفیت تهدیدات خارجی بستگی دارد. در تحلیل نهایی و با عنایت به تعاریف مذکور، در بنیان معنایی امنیت دو مفهوم فرصت و تهدید مستتر می‌باشد که دستیابی به امنیت را در گریز از تهدیدات پیش‌رو و چنگ زدن به فرصت‌های بهینه ملزوم ساخته است (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴).

با توجه به تعاریف مختلف امنیت، راه‌های تامین آن نیز از نظر مکاتب و دیدگاه‌های سیاسی، گوناگون و متنوع است که این امر نیز بازگشت به مفهوم راز آلود امنیت دارد. به عنوان مثال، از دیدگاه واقع‌گرایان، امنیت به عنوان یکی از مشتقات قدرت و به ویژه قدرت نظامی محسوب شده و دارای نقش فرعی است.

یعنی با کسب قدرت، امنیت نیز حاصل می‌شود، اما آرمان‌گرایان، امنیت را محصول صلح می‌دانند؛ بدان معنی که صلح پایدار باعث تأمین امنیت همه‌جانبه خواهد شد. برای درک این مفهوم باید به دو گفتمان اصلی که در بستر آن‌ها ماهیت و تعریف امنیت مشخص می‌شود پرداخت (لطفی ۱۳۹۰: ۱۵)

۲-۲. گفتمان‌های امنیت

نظریات، در خصوص ماهیت امنیت مطلق، مطابق الگوی تحلیلی طرح شده از سوی افتخاری، بر دو وجه سلبی و ایجابی، مثبت و منفی تأکید شده است. گفتمان‌های مختلفی در حوزه امنیت وجود دارند که هر یک از منظری سعی بر تعریف مفهوم امنیت داشته و راه‌هایی را در جهت دستیابی و نهادینه نمودن امنیت در بستر جامعه ارائه نموده‌اند که در ذیل اشاره می‌شود:

۲-۳. گفتمان امنیت سلبی

در این گفتمان، بیشتر بر جنبه سلبی امنیت تأکید شده و وجود امنیت با فقدان تهدید گره خورده است. به لحاظ تاریخی، چنین گفتمانی تاریخی دیرین در پشت سر دارد که از آن به عنوان نخستین گفتمان تاریخی، شناخته شده در حوزه مطالعات امنیتی یاد می‌شود. درون این گفتمان دو سنت مطالعاتی از یکدیگر قابل تمیز می‌باشد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۶۳-۲۳).

۲-۴. مطالعات سنتی

این حوزه یک نگرش سنتی در حوزه مطالعات امنیتی را پوشش می‌دهد. دال مرکزی چنین رویکردی حول محور افزایش قدرت نظامی در تحلیل وضعیت امنیتی می‌چرخد. در چنین سطحی ارتقا قدرت نظامی برای مقابله با دشمنان جنبه راهبردی دارد، که در موج اول چنین آثار به فراوانی می‌توان ردپای چنین نگرشی را ملاحظه نمود. نکته مرکزی در این نگرش بر مفهوم «جنگ ادامه سیاست» تأکید دارد و به رهبران توصیه می‌شود تا در جهت تضمین بقا و امنیت قلمرو همه ملزومات لازم را در جهت تقویت و تجهیز بنیه نظامی به کارگیرند. سنت‌گرایان به واسطه رویکرد شناختی دو گانه نگرشان، در چارچوبه گفتمان امنیت منفی، با وجود اشتراک در مبانی، در دو نحله متفاوت جای گرفته‌اند:

- سنت گرایان ارتدوکس: از دیدگاه آنان، امنیت در فقدان تهدید خلاصه می‌شود و لذا، سیاست امنیتی بر مدار بیشینه‌سازی حداکثری امنیت در راستای غلبه بر مخالفان داخلی و خارجی طر ریزی می‌شود.

- سنت‌گرایان میانه‌رو: این جریان شاخه دیگری از مطالعات در حوزه امنیت در قالب سنت‌گرایی بنیان گذاشتند که با عنوان جنگ‌طلبان شناخته می‌شوند. این گروه در جهت اثبات ادله خود به گفتمان روان‌شناختی رفتاری خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند.

۲-۵. مطالعات فراستی

مطالعات فراستی، با به چالش کشیدن نگاه تک‌بعدی مطالعات سنتی نسبت به مقوله امنیت راه‌گشای نگرش جدیدی در حوزه امنیت شد که مقوله امنیت را در قالب ابعاد مختلف مورد جرح و تعدیل قرار داد. البته در قالب چنین نگرشی هم می‌توان رد پای کسانی را پیدا کرد که به دنبال اقتضائات مطالعاتی و شرایط خاص مکانی و زمانی، بر جنبه‌های متعدد مادی و معنوی توجه داشتند. در کل ماحصل نگرش اندیشه‌گران این نحله توجه به تکرر امنیتی بود که در سیمایی گسترده‌تر بر، ابعاد متفاوتی چون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی، فضایی، فنی، تکنولوژیک و نظامی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی به صورت درهم‌تنیده تاکید داشتند. مشخصه برجسته امنیت در این دروان تنوع و چندمحوری امنیت است که از آن به مثابه «پروژه ای باز» یاد می‌شود که در سیر گذشت زمان ابعاد و لایه‌های دیگری به آن افزوده می‌شود. (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۷).

۲-۶. گفتمان امنیت ایجابی

در این گفتمان، امنیت صرفاً فقدان تهدید نیست، بلکه در این نگاه مقوله تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته‌های جمعی نیز در کانون توجه قرار دارد (نوید نیا، ۱۳۸۸: ۲۷). در این گفتمان امنیت ماهیتی «تاسیسی» دارد و احساس امنیت و اطمینان خاطر از جانب شهروندان به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود. در این دیدگاه امنیت ملی، بر مجموع قابلیت‌های (طبیعی، بهره‌برداری و راهبردی) یک نظام برای تحصیل به منافع ملی اشاره دارد، که گام اولیه، فقدان

تهدید است؛ اما صرفاً در چنین متغیری خلاصه نمی‌گردد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۴۳-۲۶).

بنابراین در وجه ایجابی امنیت دایره توجه و عمل بر صرف فقدان خطر نمی‌چرخد، بلکه سایر جنبه‌ها چون آرامش، اطمینان، آسایش به عنوان حوزه معنای امنیت اولویت اصلی را تشکیل می‌دهند. در قالب این گفتمان دو موج مطالعاتی مستتر است که در ذیل مورد جرح و تعدیل قرار می‌گیرند:

۲-۷. مطالعات مدرن

این حوزه مطالعاتی بیشتر ریشه در آرا و اندیشه‌های، دو تن از محققان نامور این حوزه، یعنی "مارک سومر" و "جو آن گالینگ" دارد که با طرح ایده امنیت اطمینان بخش، در حقیقت بنیان چنین سنتی را در مطالعات امنیتی گذاشتند. تعلق این دو به روش شناختی نئوپوزیتیویستی احیای نگرش پوزیتیویستی در مطالعات امنیتی را به دنبال داشت و به تعبیری، میان طبیعت و حوزه مطالعات امنیتی پلی را برقرار نمودند. در گفتمان مدرن با طبیعت به عنوان یک الگوی امنیتی مواجه صورت می‌گیرد و با تحلیل نقش و عملکرد طبیعت در پیشینه سازی امنیت، اصولی کلی را در قالب حکم، و به عنوان اصول عملی راهبرد امنیتی، ویژه جوامع انسانی استخراج نمودند. براین‌د رعایت چنین اصولی بیشترین ضریب امنیتی را برای همه انسان‌ها و جوامع در بر دارد. تکامل تدریجی، تنوع، فراوانی، صرفه جویی، همزیستی، دفاع، آسیب ناپذیری، خودترمیمی، همزیستی، آزادی، پیوستگی، منافع، عدالت، مشارکت، آینده نگری، تخیل و برنامه‌ریزی مهم‌ترین عناصر چنین اصولی هستند (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷).

۲-۸. مطالعات فرامدرن

اگرچه در کانون گفتمان‌های سنتی و به ویژه مدرن، دولت - ملت به عنوان مرکز اصلی تحولات و فعالیت سیاسی قابل توجه است و مسئله امنیت نیز به وجود چنین شاکله‌ای گره خورده است اما شرایط جهانی و پویایی‌های جدید حکایت از تزلزل اعتبار چنین گفتمانی دارد؛ با اشراف به چنین امری دیگر اتکا به چنین

چارچوبی نمی‌تواند در ارزیابی‌های جدید مفید واقع شود. بستر تحول جدید در نگرش‌های نو نسبت به امنیت برآیند جهانی شدن است و مطالعات « فرامدرن» نیز واکنشی موفق در حفظ «گفتمان امنیت مثبت» در بستر جدید شکل گرفته می‌باشد. مفصل‌بندی و طرح مفهوم «امنیت فرامدرن» از این حیث قابل توجه بوده و باید در چنین فضایی فهم، تعریف و نقد شود. امروزه «امنیت جهانی» دیگر مقوله‌ای دو از واقعیت نیست، بلکه اصطلاحی است که در متن گفتمان امنیت مثبت پرورش پیدا نمود و چهارمین موج در حوزه مطالعات امنیتی را ترسیم می‌کند.

۳. ریشه‌های تاریخی سلفیسم

سلفیه اصطلاحی ریشه در بافتار بومی فرهنگ اسلامی دارد و از تاریخ گذشته چنین فرهنگی نشات می‌گیرد و آنچه بیشتر بر اهمیت‌یابی این جریان در سده‌های اخیر افزوده است، برآمدن جریان‌های ظهوریافته نوینی است که خویش را در قامت سلفیسم بنیاد گرا با همان معنای تاریخی و به عنوان مصداق دوران جدید این جریان، معرفی کرده‌اند. از لحاظ تاریخی ریشه سلفیسم به قبل از ابن تیمیه و به اندیشه احمد بن حنبل بر می‌گردد و در دوره معاصر نیز محمد بن عبدالوهاب به رواج آن پرداخته است. در ادامه به ریشه‌های تاریخی «سلفیسم» و تبیین زمینه‌های اندیشه سلفی در دوره معاصر می‌پردازیم.

۱-۳. مکتب اهل حدیث

اصحاب حدیث به عنوان گروهی از عالمان در سده‌های نخست اسلامی اطلاق می‌شد که بر پیروی تام از احادیث و آموزش بینادی آن تاکید دارند. این جریان در تاریخ فرهنگ اسلامی به عنوان جبهه مخالف اصحاب اهل رای معروف بودند. در کلیت اهل حدیث عنوان جریان را یدک می‌کشند که پیروی از احادیث، آرا صحابه و تابعین را به عنوان اصول کلیدی خویش برگزیده و با اتکا به چنین امری در مخالفت با قیاس و رای سماجت نشان می‌داند (پاکتچی، ۱۳۷۹: ۱۱۳). اهل حدیث به جریانی از اهل سنت گفته می‌شود که مسئولیت گردآوری، آموزش و گسترش احادیث را بر عهده داشته و با استناد به ظاهر احادیث، مسائل اعتقادی و فقهی را از آن استنباط می‌کردند و کسانی که در زمینه‌های کلام و فقه متوسل به استدلال‌های عقلی می‌شدند، مورد نکوش این جریان قرار داشتند (حیدری‌نسب،

۱۳۹۱: ۴۵). در مجموع می‌توان گفت اهل حدیث در استنباط احکام اسلامی برای عقل اعتباری قائل نبودند و فقط به «کتاب» و «سنت» پیامبر تاکید و توجه داشتند.

۲-۳. احمد بن حنبل؛ برجسته‌ترین منادی سلفیه

ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال شیبانی مروزی (۲۴۱-۱۶۴ ق / ۸۵۵-۷۸۰ م) پیشوای حنبلی‌ها و متفکر بزرگ اهل حدیث در قامت یکی از رهبران فکری چنین جریانی به واسطه نقش آفرینی در ماجرای «محنه» کسب شهرت فراوانی کرد. او در عین حال از مروجین طریقه اصحاب حدیث و افکار آنان محسوب می‌شود. نقش آفرینی احمد در تجدید حیات طریقه اصحاب حدیث و تعالیمی که برای تنظیم و تحکم مبانی فکری آنان مفصل‌بندی نمود، سبب شد تا این جریان فکری بیش از هرکسی به آموزه‌ها و کلام او متوسل شوند. چنین امری نشان از جایگاه شایان احمد بن حنبل در میان پیروانش دارد.

اندیشه ابن حنبل بر چند اصل استوار است: تقدم نقل بر عقل اولین اصل اساسی را تشکیل می‌دهد. او با رد هرگونه تعارضی بین عقل و متون مقدس و در مخالفت با رویکرد متکلمان در تابع نمودن متن مقدس به عقل، نگاه متفاوتی ارائه نمود و عقل را تابع متن قلمداد می‌کرد و با انکار تاویل متون، تبیین آن‌ها را بر مبنای فقه اللغه عربی، حدیث و استنباط اصحاب پیامبر و تابعین جایز می‌دانست. اصل دوم او در رد و طرد کردن کلام رویت پیدا کرد. سلفی‌ها مباحث مطروحه از سوی کلامی‌ها را به عنوان بدعت تفسیر می‌نمودند و بر نگرش متدینانه تاکید ورزیدند. اصل سوم اندیشه‌های ابن حنبل در پایبندی صرف به قرآن، سنت و اجماع سلف صالح استوار است. وی ارجحیت جهاد بر قیاس را در رهنمودهای خویش همواره گوشزد می‌کرد (اسپوزیتو، ۱۳۹۱: ۸۳). جایگاه سنت در نظام فکری ابن حنبل بسیار مهم بود و بعد از قرآن، درستی اصول فکری را در پیروی از سنت پیامبر، گفتار صحابه و تابعین جستجو می‌کرد. وی معتقد بود رافضه یعنی گروهی که علی (ع) را مقدم بر ابوبکر می‌دانند و بر این باورند که اسلام بر اسلام ابوبکر است، با کتاب و سنت مخالفت نموده‌اند. همچنین وی می‌گوید: هر کس خلیفه و امیرمومنین باشد و مردم بر وی اتفاق داشته باشند، حتی اگر خلافتش برآمده از غلبه و قهر و سیف باشد از نگاه سنت مشروع و اطاعت بر او واجب است و چنین

امیری اگر فاجرم باشد باید با او نماز خواند و همراهش جنگید و کسی که بر وی قیام کند، «شوق عصای» مسلمین کرد و مرگ جاهلی پایش خواهد بود. احمد بن حنبل، افضل همه امت را اصحاب پیامبر می دانست و معتقد بود اگر کسی پیامبر را فقط دیده باشد در شمار اصحاب است. وی به نص قرآن و حدیث عنایت داشت و تاویل در نصوص را جایز نمی دانست و بحث در مورد مسائل اعتقادی را نهی می کرد. همچنین به علم کلام باور نداشت و تنها به نصوص اکتفا می کرد. مشهورترین کتاب احمد همانا مسند اوست که به گفته ابن جوزی شامل ۳۰ هزار حدیث است و به گفته خود احمد اگر هر حدیثی که پیامبر در آن یافت نشد نباید حجیت شمرد.

۳-۳. ابن تیمیه؛ احیاگر سلفیه

ابوعباس احمد بن عبدالحلیم در سال ۶۶۱ هجری، پنج سال پس از سقوط خلافت بغداد در حرّان از توابع شام دیده به جهان گشود و از خصوصیات بارز وی فتوا دادن برخلاف آرای مشهور و رایج بین مسلمین بود (طبسی، ۱۳۸۵: ۲۱). وی تصریح داشت که مقصود از سلفیه، همان مذهب اصحاب حدیث است که در آن زمان مدت ها بود رو به زوال و ضعف گذاشته بود و که آنان سودای تجدید حیات آن را در سر داشتند (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۳۱). ابن تیمیه پس از ابن حنبل برجسته ترین منادی سلفیسم کنونی است. از منظر ابن تیمیه، به جز قدرت، سنت و اصول جامعه اسلامی هیچ قدرتی رسمیت ندارد و چنین نگرشی را در ضدیت با بدعت و ستایش خشک و مقدس مآبانه و زیارت مکان های مذهبی همواره نشان می داد. نظم فکری این تیمیه در حمایت از اعلام جهاد علیه مغولان، علویان، اسماعیلیان و درزوها و محدودیت سازی بی قید و بند برای غیرمسلمان تبلور یافت. او ویژگی ها و خصوصیات انسانی را به خدا نسبت می داد و به تفسیر تحت اللفظی و دقیق اشارات قرآنی به پرهیزگاری اعتقاد داشت (دکمجیان، ۱۳۹۰: ۷۹).

۴. سلفی‌گری و استان کردستان

ظهور اسلام‌یون تندرو و سلفی‌گرا در استان کردستان و مناطق کردنشین ایران عمق تاریخی زیادی ندارد، بلکه در پسا سقوط طالبان در افغانستان و اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی، در گزارش‌هایی مبنی بر تحرک جریان‌های سنی - سلفی کرد در کسوت گفتمان ضد شیعی و ضد ناسیونالیستی و فعالیت آن‌ها و چالش‌هایی که در پرتو گسترش چنین گفتمانی بر ای مناطق کردنشین سنی ایران، می‌توانست پدید آید، برملا شد (جوانمردی، بخش اول: برگرفته از سایت روز پرس).

از منظری دیگر سلفی‌گری یکی از انواع این جنبش‌های اسلامی است که در دهه هشتاد و نود میلادی و به خصوص پس از جنگ شوروی علیه افغانستان پدیدار شد. این جریان به دنبال حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، خود را در سیمایی متمایزتر از سایر جنبش‌های اسلامی در معرض توجه جهانیان قرار داد. اگرچه این جریان نیز به مثابه سایر مناطق دیگر، در کردستان ایران به سطحی از نفوذ دست یافته بود، پس از جنگ شوروی و افغانستان و متعاقب آن حمله آمریکا به افغانستان و عراق، بر میزان و شدت گسترش جریان سلفی‌گری در کردستان افزوده شد (اعظم آزاد، ۱۳۹۱: ۲).

از سوی دیگر سابقه وجود بحران‌های قومی و جنبش‌های ناسیونالیستی در مناطق کردنشین در کنار پاره‌ای از محرومیت‌های اقتصادی و سیاسی بدون شک موارد و جنبه‌هایی هستند که جنبش‌های سلفی‌گری سعی می‌کنند بر روی آنها برنامه‌ریزی کنند. بنیان‌های فکری سلفی‌گری در مناطق کردنشین در اشکالی هر چند ضعیف وجود داشته و فعالیت‌های زیرزمینی این گروه‌ها برای اهالی این مناطق غیر قابل انکار است. تلاش برای نفی گفتمان‌های مشروعیت‌ساز نظام حاکم مانند ولایت فقیه، تأکید بر شکاف‌های مذهبی، نفی ملی‌گرایی و سعی در ایجاد تفرقه، مهم‌ترین جنبه‌های عملی گروه‌های سلفی در کردستان ایران است.

۵. کردستان بستر سلفی‌گری

استان کردستان با چند ویژگی خاص دارای بستر مناسبی برای فتنه‌انگیزی سلفی‌گری و تجزیه طلبان بوده است.

- هم جواری با کردستان عراق: استان کردستان با داشتن ۲۳۰ کیلومتر نوار مرزی با دولت اقلیم کردستان در موقعیت خاصی به لحاظ راهبردی قرار گرفته است. همچنین با توجه به وضعیت سیاسی، اجتماعی دولت اقلیم کردستان و نفوذ دولت های متخاصم نظام جمهوری اسلامی ایران در آنجا و ده ها پایگاه جاسوسی، این همجواری از اثر گذاری بالایی بر کشورمان برخوردار است.

- ویژگی های مذهبی استان: بسیاری از هم وطنان استان کردستان را برادران اهل تسنن تشکیل می دهند. یکی دیگر از شیوه های دشمنان استفاده از بستر مذهبی است که با تعمیم اقدامها و تفکرات خصمانه سلفیت وهابی و گره زدن شعارها و اقدام های فرقه وهابیت به اهل سنت، مسیر رسیدن به اهداف خود را هموار می کنند.

- ویژگی های قومیتی استان کردستان: پراکندگی اقوام و تنوع مذهبی، در راهبردهای فرو پاشی یک نظام سیاسی همواره به عنوان یک مولفه موثر و کلیدی با کار کرد سیاسی و نظامی مد نظر قرار گرفته است و قوم کرد نیز به دلیل ویژگی های جغرافیایی، تاریخی و سیاسی و پراکندگی در چهار کشور منطقه، جایگاه کلیدی خود را در راهبردهای بیگانگان حفظ کرده است. به تعبیر دیگر، جبهه ضد انقلاب اسلامی در تلاش است تا بعد از بحران های قومی که در دهه اول انقلاب به وجود آورده است، با ایجاد بحران مذهبی که گره خورده با وضعیت قومیتی استان است، این منطقه را بیش از پیش دچار پریشانی کند. دشمنان همواره در صدد نزدیکی به اهل سنت هستند تا از این بستر برای تفرقه استفاده کنند. آنها در تلاش اند تا هر چه سریع تر بستر های لازم را برای رسیدن به مقاصدشان با ادعای قرابت و هم ریشه بودن فراهم کنند. از سوی دیگر می کوشند مسیر واگرایی و رویارویی با حکومت و نظام اسلامی را در مردم منطقه تحریک و تشدید نمایند و بدین منظور چند هدف عمده را دنبال می کنند که اصلی ترین آنها عباتند از: ترویج و گسترش تفکر وهابیت و نفوذ آن، تلاش برای بزرگنمایی اختلاف بین شیعه و سنی، واگرایی بین مردم منطقه و نظام اسلامی، قطع ارتباط اهل سنت با شیعیان و سایر اقوام، حذف و نابودی تفکر اهل بیت (ع)؛ با توجه به علاقه مندی شافعی مذهبیان به اهل بیت (ع) که توده عظیمی از مسلمانان این استان را شامل می شود و تخریب باورهای اهل سنت؛ در واقع، دولت های متخاصم تلاش کرده اند تا زندگی مسالمت

آمیز و توأم با برادری میان شیعیان و اهل تسنن را که تاکنون در این استان ملموس بوده با چنین اقدام هایی دستخوش تغییرات نامبارکی قرار دهند (دانشتنی های سیاسی، ۱۳۹۳ : ۶۵-۶۴).

۶.. گفتمان های موجود در استان کردستان

گفتمان های موجود در کردستان از هنگامه تشکل یافتن گروهی مختلف اجتماعی تا جنگ خلیج فارس در اوایل دهه نود میلادی در قلب سه گفتمان قابل رویت هستند.

- گفتمان ناسیونالیستی: سردمدار این گفتمان «کومله ژیان وه کورد» یا جامعه احیای کرد بود که گفتمان ملی گرایی در کردستان را رهبری می کرد.

- گفتمان سوسیالیستی: این گفتمان نیز توسط حزب کومله در سال ۱۳۴۸ متولد شد که بعد تحت عنوان حزب کمونیست ایران با تغییر نام به حیات خویش ادامه داد.

- گفتمان اسلامگرایان: رهبر و بانی چنین گفتمانی احمد مففتی زاده بود که در دهه پنجاه میلادی با گشایش مدارس در مریوان و سنندج آغاز کار کرد و بعد از انقلاب اسلامی در قلب دو گروه "مکتب قرآن" و "جماعت دعوت و اصلاح ایران" یا همان اخوان المسلمین ایران به فعالیت های خود تداوم بخشید (اعظم آزاده، ۱۳۹۱: ۲).

اما بعد از نخستین حمله آمریکا به عراق در اوایل دهه ۹۰ میلادی و با باز شدن مرز میان کردستان ایران و عراق دو نوع گفتمان دیگر وارد کردستان ایران شد. این دو گفتمان عبارت بودند از:

- گفتمان غربی: که دو حزب اتحاد میهنی کردستان و پارت دموکرات کردستان عراق از جمله مهمترین حامیان آن بودند.

- گفتمان اسلام رادیکال: که در ابتدا گروهی به اسم حرکت اسلامی آن را نمایندگی می کرد، ولی در مراحل بعدی به چندین گروه کوچکتر تقسیم شد.

گفتمان غربی حاصل قدرت گیری دو حزب اتحادیه میهنی و حزب دموکرات کردستان در کردستان عراق بود و به مرحله هژمونی در منطقه رسید که در نتیجه باز شدن و تردد در مزرها کردهای ایران نیز تحت تاثیر قرار گرفته و شیوه جدیدی از زندگی را در این منطقه به تصویر کشید. ایجاد حکومت محلی توسط این دو

گروه در عراق در سال‌های پس از حمله آمریکا در عراق در سطحی کلان تر تقویت شد و در ساختار سیاسی عراق به رسمیت شناخته شد.

جدا از چنین جریانی، اسلام رادیکال در سیمای سلفی‌گری با رخداد ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق با نقش آفرینی نیروهای غربی راهش به سوی ایران گشایش یافت. در این جریان جدا از گذشتگان و تبعیت از آن‌ها هرگونه تمسک به قوم و قوم‌گرایی عاری از معنا و اهمیت بود. سلفی‌ها با تشدید بمب‌گذاری‌ها و قبول مسئولیت حادثه ۱۱ سپتامبر عملاً به عنوان جریانی تجدید نظر طلب، نظم موجود جهانی را به چالش فراخواندند. چنین داعیه‌ای سبب شد تا آن‌ها در ادبیات سیاسی جهان به عنوان تروریست معرفی شوند. در عین حال چنین برجستگی این جریان همچنان در جهان طرفدارن زیادی دارد. ورود چنین گفتمانی به کردستان ایران، حامیانی را پیدا کرد. اعتنا و پیروی از چنین گفتمانی در میان کردهای سنی ایران در مشارکت کردها در عملیات‌های انتحاری در عراق و افغانستان و پاکستان و همچنین وجود زندانیانی از آن‌ها در گوانتانامو و ابوغریب گویای تمکین به چنین تفکری است. اما حضور آن‌ها در کردستان با چالش‌هایی برای نظم عمومی و تشدید خشونت همراه بوده است. از آنجا که این گروه‌ها مرز بین حق و باطل را بسیار پررنگ و برجسته کرده و خود را در جبهه حق و دیگران را اهل باطل قلمداد می‌کنند، فضای گفتگو و تعاملات فکری در منطقه تارنمایی را ارائه می‌دهد و حتی با خشونت و ضدیت نیز همراه شده است. اما پیامد قابل توجه آن بازگشت و ایجاد فضای امنیتی در کردستان است، فضایی که کردها طی سال‌های گذشته تلاش بسیاری برای رفع و پاکسازی آن متحمل شده بودند (اعظم آزاده، ۱۳۹۱: ۳).

۷. عوامل اصلی رشد و گسترش سلفی‌گری در استان کردستان

با واکاوی دقیق‌تر خاستگاه و منشاء رشد و گسترش این جریان‌های انحرافی که اساساً هیچ ارتباط منطقی با اصل اسلام نداشته و با وجود مسلمان نامیدن خود، فقط نوعی تفکر هستند که علیه اسلام فعالیت می‌کنند، به چهار عامل اصلی می‌رسیم که به عنوان بستر شکل‌گیری این جریان‌ها عمل می‌کنند:

۱- فقدان سواد دینی: یکی از جدی‌ترین و فراگیرترین آسیب‌ها در گروه‌های سلفی و تروریستی، بهره نبردن درست از معلومات دینی است که در کل باعث تفسیر خود رأیی شخصی عناصر آنها از دین شده است. بررسی نشان می‌دهد که اکثر اعضای این گروه‌ها یا بی سواد بوده یا از کمترین سواد برخوردار هستند. غیر از این موضوع اکثر افراد عضو در چنین گروه‌هایی، تحصیلاتی خارج از حوزه‌های دینی داشته یا عمدتاً از منابع دست‌چندم و نامعتبر، اعتقادات و آگاهی‌های خود را کسب نموده‌اند.

۲- حاضر نبودن به موقع و مناسب روحانیت و علمای دینی: فقدان حضور پررنگ علمای دین در عرصه‌های تبلیغی، بستری را به وجود آورده که جوانان جویای دین، امکان سیراب شدن از سرچشمه اصیل معارف دینی را نداشته باشند و جذب تفکرات و دیدگاه‌های انحرافی گردند، این پدیده در برخی موارد باعث گرایش این افراد به گروه‌های افراطی سلفی می‌شود. در هر دو مورد ارتباط ضعیف سازمانی بین علمای دین و جامعه در شکل‌گیری انحرافات موثر بوده است.

۳- حضور و فعالیت گروه‌های افراطی و منحرف: فقدان فعالیت گروه‌های اصیل دینی، گروه‌های افراطی و انحرافی توانسته‌اند برخی از حوزه‌های اجتماعی را به دست گرفته و خود نمایی کنند، که این خود بستری برای جذب جوانان پاک و نا آگاهی شده است که درد دین دارند ولی امکان دستیابی به سرچشمه روشن معارف را در اختیار ندارند، بنابراین به راحتی در دام گروه‌هایی می‌افتند که با ظاهر دینی آنان را جذب می‌کنند. این گروه‌ها توانسته‌اند با انجام فعالیت‌های تبلیغی و به دست گرفتن هدایت برخی مساجد و مراکز دینی شرایط مساعدی را برای ترویج افکار خود فراهم آورند. از سوی دیگر نیز با اقدام‌های تخریبی و ایضایی عرصه را برای فعالیت علمای دینی تنگ نموده‌اند، که از نمونه‌های آن تهدید با اقدام به ترور برخی علمای اهل سنت فعال و آگاه کردستان است.

۴- توجه نکردن به مبانی وحدت اسلامی در سطوح پایین جامعه: با وجود هدایت‌ها و نگاه مثبت علمای بزرگ دنیای اسلام مبنی بر بشارت امت اسلامی در شکل‌گیری وحدت، با تاسف فراوان در سطوح پایین جامعه برخی رفتارهای متناقض بروز می‌کند. مقوله وحدت یک اصل راهبردی در بین مسلمین است، اما در برخی از عرصه‌های کوچک مشاهده می‌شود که افرادی دانسته یا ندانسته با

طرح مسائلی اختلاف افکن و دامن زدن به اختلاف ها، زمینه ساز فعالیت های افراطی می شوند و این روند همچنان در طرفین رو به ازدیاد است، به این معنی که هر طرف به جای اثبات حقانیت خود سعی در نفی دیگران از طریق تخریب دارد. این روند موجب گسترش فعالیت های افراطی و سازماندهی گروه های تندرو می شود. چنان که در بررسی برخی اقدام های گروه های سلفی، توهین های طرف مقابل به عنوان یکی از دلایل اصلی توجیه اقدام های خشونت بار مطرح شده است (دانستنی های سیاسی : ۱۳۹۳ : ۵۳-۵۱)

دلایل دیگری را نیز می توان به دلایل گسترش سلفیت در سطح استان اضافه نمود. از جمله :

۱- بی توجهی و سهل انگاری دستگاه های مسئول فرهنگی و دینی در شناسایی این جریان انحرافی و معرفی آن ها و فقدان تلاش هماهنگ و سازمان یافته جهت برخورد موثر علیه این پدیده نوظهور .

۲- عدم وجود حساسیت لازم در ارتباط دادن ریشه ای پدیده مزبور به دخالت بیگانگان.

۳- حضور و فعالیت مبلغین وهابی و سلفی در استان.

۴- وجود فقر و بیکاری و مشکلات ناشی از آن در استان.

۵- عدم برنامه ریزی جامع و منسجم فرهنگی در برخورد با این پدیده در استان و پاسخگویی به شبهات دینی و اعتقاد افراد.

۶- عدم معرفی دقیق و کامل اسلام ناب و دور کردن پیرایه ها از اسلام نبوی (ص) توسط صاحبان تفکر دینی به آحاد مرد ، به ویژه نسل جوان از طرق و ابزارهای گوناگون فرهنگی.

۷- کمک و حمایت مادی و معنوی کشورهای عربی از عناصر سلفی در این استان.

۸- تبلیغات گسترده رسانه ای و مناظره های ماهواره ای با هدف تضعیف اعتقادات شیعی و ایجاد تفرقه های قومی و مذهبی.

از سوی دیگر، از شیوه های تبلیغ با هدف گسترش سلفیت در کردستان می توان به موارد ذیل اشاره نمود :

۱- فعالیت گسترده رسانه های بیگانه در ماهواره.

- ۲- سایت‌های اینترنتی گروه‌های سلفی داخلی و خارجی.
- ۳- فعالیت مبلغین سلفیت از طریق استفاده از مساجد و کار چهره به چهره برای شستشوی فکری.
- ۴- ارسال کتب بصورت مجانی از خارج کشور (برای ارسال از طریق سایت‌ها کافی است کلیک شود).
- ۵- دائر کردن کلاس‌های آموزشی با پوشش کلاس قرآن در برخی روستاها و محلات قدیمی شهرها.
- ۶- ارتباطات و مسافرت به خارج از کشور.
- ۷- انتشار کتب و نشریات و سی دی‌های تبلیغی و...
- ۸- انجام عملیات‌های ایدایی نظیر ترور، تعرض مسلحانه به اماکن نظامی، سرقت و

۹. امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و سلفی‌گری

در یک نگاه اجمالی مولفه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد بررسی قرار داد: از آنجا که هدف اصلی این پژوهش در صدد بررسی تأثیر منفی تفکر سلفی‌گری و فعالیت گروه‌های سلفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است لذا می‌بایست ابتدا مشخص نمود که فعالیت گروه‌های سلفی جهادی و تکفیری بر کدام یک از سطوح مولفه‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار است.

در دسته‌بندی صورت گرفته در خصوص ابعاد امنیت ملی، سلفی‌گری در قالب بعد فرهنگی ابعاد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. لیکن می‌توان گفت فعالیت گروه‌های سلفی، در سطح ملی، بر تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر گذار است. در ادامه به دلایل این مدعا مشروحا اشاره خواهد شد. در قسمت‌های قبلی به صورت مشروح به موضوع سلفی‌گری اشاره گردید و سلفی‌گری در کردستان ایران نیز به عنوان موضوع اصلی مقاله حاضر مد نظر قرار گرفت.

در بسط توجه به مسئله سلفیسم در ایران باید عنوان داشت که، این نیروهای افراطی در تحریک عامه اهل سنت علیع‌شعیان و جمهوری اسلامی ایران تأثیر

گذارند و علی رقم فقدان امکانات کافی و جمعیت زیاد، توانایی بسیج افکار عمومی اهل سنت، علیه ایران و شیعیان را دارند. در اغلب موارد، براینده تمایلات فرقه‌گرایی، افزایش سطح تهدید و افراطی‌گرایی است زیرا، رهبران فرقه‌های مختلف، در جهت ایجاد و تداوم اقدامات فرقه‌گرایانه و افراطی به توجیحات مذهبی در جهت تایید و حکم نمودن به چنین دستوراتی توسل می‌جویند. افراد عضو فرقه‌های مذهبی الحادی، اعمال خشونت طلبانه خود را به ارزشی‌های ایدئولوژیک کاذب منوط می‌کنند و با شست و شو مغزی از سوی رهبران این آمادگی در وجود آن‌ها ایجاد می‌شود تا در راستای نیات و اهداف رهبران دست به اقدام بزنند. در حین افزایش سیاست‌های شست و شوی مغزی در میان اعضا، کم‌کم سطح روابط فیزیکی با کادرها کم می‌شود و یک شبکه سری در میان اعضا شکل می‌گیرد. در عین شکل‌گیری شبکه‌های مختلف اعضا بی‌خبر از دیگری و با توسل به تکنولوژی‌ها مدرن چون اینترنت، برنامه ریزی را در راستای برقراری ارتباط با مخاطبان آغاز می‌کنند چنین اقدامی از طریق امور کد گذاری شده و رمزی هدایت می‌شوند. بنابراین با چنین شیوه‌ای افراد را در جهت ارتکاب اعمال خشونت‌گرایانه مانند ترور و بمب گذاری در داخل کشور و به ویژه استان‌های مرزی، سنی نشین رهبری و تهیج می‌کنند. لذا چنین اعمالی را نمی‌توان به عنوان امری صرفاً دینی قلمداد کرد، بلکه ماهیتی ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک دارند.

جریان سلفیت در منطقه کردستان با فرهنگ بومی و بیشتر اهل سننش در حال و آینده می‌تولند تهدیداتی را برای امنیت این منطقه و در کل ایران درست نماید. قبل از پایان بحث، لازم است که مهم‌ترین پیامدهای امنیتی - سیاسی گسترش سلفیت از رویکرد امنیت ملی و هم چنین به شاخص‌های کلی اندیشه سلفی‌های کردستان که منجر به شکل‌گیری سلفی‌های تبلیغی و جهادی و تکفیری در استان گردیده و چالش‌های امنیتی را برای استان بوجود آورده است را ذکر کنیم.

۱۰. پیامدهای سلفی‌گری استان کردستان برای امنیت ملی ایران

۱- نفوذ نهادهای جاسوسی و امکان یارگیری از میان پیروان فرقه وهابیت بی‌توجهی به آسیب‌های تکنولوژیک استفاده شده توسط نیروهای سلفی و وهابی در ایران می‌تواند این جریان‌ها را به گروهی فشار و نیرویی جاسوسی برای دشمنان ایران تبدیل کند. این امر توجه ویژه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی را می‌طلبد تا با

ژرفای بیشتری از ترویج عقاید ضد شیعی چنین جریاناتی در مناطق سنی نشین و از ایجاد مدارس مذهبی توسط این جریان‌ها در استان‌های مرزی چون کردستان جلوگیری کنند. نمونه آشکار چنین امری در ایجاد یک مرکز آموزشی در حوالی شهر چمن افغانستان، توسط رژیم صهیونیستی در جهت آموزش نیروهای ضد ایرانی قابل مشاهده است. قاطبه چنین کسانی که آموزش می‌بینند وهابیون و سپاه صحابه هستند که در ضد شیعی بودن چنین نیروهایی تردیدی وجود ندارد. در قدم دوم و در توجه به مدیریت نرم افزاری در حوزه تهدیدات فرقه‌ای، باید گسترش چنین گفتمانی به لحاظ تفکری و همچنین ماهیت تاثیر گذاری آن‌ها در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران آسیب شناسی شوند.

۲- بستر سازی شکل گیری گروهک های تروریستی ضد شیعی نزدیک به فرقه وهابیت و سلفیت = م):

مدارس مذهبی اسلامی پاکستان و جهادگرایان سایر کشورها در تیرس بسیاری از سازمان‌های تروریستی ضد شیعی قرار گرفته‌اند تا برخی از نیروهای خود را از طریق دانش آموختگان این مدارس جذب کنند، گذشت زمان نیز به خوبی روشن ساخت که وهابیون سلفی در عربستان و امارات در این مدارس صاحب نفوذ فراوانی هستند و در میان برخی شاخه القاعده نفوذ زیادی پیدا کرده‌اند.

۳- تضعیف و تجزیه وحدت ملی:

نقش مذهب به عنوان ستونی وحدت ساز در سطح ملی این پیام را مخابره می‌کند که نخبگان در قدرت و متولیان امر سیاست گذاری امنیتی در با رویکرد مدیریت استراتژیک امنیت ملی، باید زمینه‌های برخورد و خنثی سازی قدرت گفتمانی و تبلیغاتی گروه‌های سلفی در ایران را فراهم سازند.

۴- تزلزل در مبانی هبستگی ساز فکری و عقیدتی جهان اسلام

تعمیم هرگونه اقدامات تروریستی و مخرب به همه اهل سنت ترفندی است که از سوی این نیروها برای تضعیف وحدت اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد، زیرا مبانی فکری همه نحله‌های عقیدتی اهل سنت با اهداف و مرامنامه چنین گروه‌هایی کاملا متفاوت است. همه پیروان اهل سنت در شاخه‌های حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی با جدایی خط فکری خویش از چنین گروه‌هایی، ماهیت وجودی آن‌ها را به

چالش کشیدند. دشمنی آشکار چنین نیروهایی بر شیعیان و کافر معرفی کردن شیعه، دیدگاهی است که در میان سایر نحله‌های شده است.

۵- بستر سازی شرایط برای درگیری‌های فرقه‌ای در استان‌های مرزی

توانایی رخنه فرقه ضاله وهابیت و سلفیت در بازه زمانی برنامه پنجم در شکل دهی به برخی از تنش‌های فرقه‌ای به ویژه در استان‌های سنی نشین جمهوری اسلامی ایران، مانند کردستان، از تهدیدات راهبردی دیگر است که می‌تواند از جانب چنین گروه‌هایی عملی شود (دلاور پور، ۱۳۸۸: ۸).

۶- افزایش نفوذ ایدئولوژیکی سلفیسم در جامعه

یکی از حوزه‌های پراهمیت که در پیوند معناداری با کاهش ضریب امنیت ملی ایران قرار داد، نفوذ ایدئولوژیکی سلفیسم و استقرار بسترهای ترویج کننده این ایدئولوژی در مناطق سنی نشین کشور است. موفقیت نیروها و مبلغین سلفی‌گرا در کردستان می‌تواند وجه دینی سلفیسم را میان بسیاری از جوانان کرد تقویت و فربه‌تر نماید و زمینه‌های گسست از هویت ملی و ایرانی را در این مناطق رقم زند. به تبع گرایش به چنین رویکردی، می‌توان شاهد ریشه دار شدن و نهادسازی چنین نیروهایی بود که در آینده مخاطراتی را بر امنیت ملی ایران تحمیل نمایند.

۷- کاهش اعتماد به دولت و نظام

فعالیت‌های مستمر و پایدار گروه‌های تروریستی در مناطق غرب کشور به راحتی می‌تواند به سلب امنیت عمومی شهروندان در این مناطق بیانجامد و عدم برنامه‌ریزی و مقابله با گسترش چنین پدیده‌ای می‌تواند به مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد کند. در واقع مماشات و سهل‌انگاری در مبارزه با سلفیسم خطری آنی و بالقوه برای اقتدار ملی ایران که برآمده از مشروعیت مردمی آن است، محسوب می‌شود.

۸- ترویج تنش‌های قومی و مذهبی

یکی دیگر از پیامدهای گسترش سلفیسم در مناطق سنی نشین غرب کشور، افزایش تنش‌های قومی و مذهبی چه در این مناطق و چه در سایر مناطق ایران است. حضور و فعالیت گروه‌های سلفی در غرب کشور می‌تواند در نوع نگاه و مواجهه مردم با مناطق غرب کشور تغییراتی را حاصل نماید. به واقع سلفیسم این

ظرفیت را دارد تا دامنه شکاف میان شیعه و سنی در ایران را شدت بخشد و وحدت و امنیت ملی ایران را در بلند مدت با مخاطره روبه رو سازد

نتیجه گیری

نگارنده بر این عقیده است که فعالیت گروه های سلفی را می توان در گفتمان امنیت ایجابی مورد ارزیابی قرار داد. همانطور که گفته شد در گفتمان "امنیت ایجابی"، "امنیت" به معنای صرف فقدان تهدید نیست، بلکه اعلاوه بر تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته های جمعی نیز مد نظر است. بستر لازم برای تحقق اهداف فردی و جمعی نیز حایز اهمیت است.. این گفتمان با قائل شدن ماهیتی تاسیسی برای امنیت بر وجود و اطمینان خاطر در میان شهروندان تاکید دارند. در این رویکرد، "امنیت ملی" مجموع قابلیت های (طبیعی، بهره برداری و راهبردی) یک نظام در جهت تحصیل منافع ملی است که مقدمه آن، نبود تهدید است؛ اما به صورت کامل در آن خلاصه نمی شود. لذا فعالیت گروه های سلفی در استان کردستان و اقدامات ایدایی این گروه ها در سال های اخیر به نوعی سبب بروز عدم اطمینان خاطر نزد شهروندان شده است. این عدم اطمینان خاطر می تواند به نوعی سبب بدبینی اهالی استان از توانایی نظام جمهوری اسلامی ایران در برخورد با گروه های افراطی مذهبی گردند. تبعات این بدبینی می تولند در تمامی زمینه های فرهنگی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی و ... نمود پیدا کند.

اگر ما مهم ترین پیامدهای امنیتی- سیاسی گسترش سلفی گری از رویکرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را که در بالا ذکر و آنها را لحاظ بگیریم و اگر این موارد را به مورد بروز عدم اطمینان خاطر نزد شهروندان کردستان در بحث امنیت اضافه نمایم، ماحصل این مطالب را می توان اینگونه خلاصه نمود که موارد مذکور بر عدم وجود امنیت در استان کردستان، به نوعی بر بعد داخلی مولفه های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران تاثیر گذار بوده و آن را به چالش کشده است. همچنین، نباید به تلاش ها و اقدامات صورت گرفته از سوی مسئولین و دستگاه های امنیتی و نظامی و انتظامی در این زمینه غافل شد. شناسایی و دستگیری و انهدام گروه های جهادی و تکفیری در سطح استان از سوی دستگاه های امنیتی هر چند به کاهش فعالیت های علنی هسته های مخفی گروه های سلفی جهادی و تکفیری منجر شده است، لیکن وجود احساس ناامنی در بین مردم استان، حقیقتی غیر قابل انکار است. حقیقتی که می طلبد مورد توجه اندیشمندان داخلی و آنهایی که دغدغه حفظ امنیت ملی دارند قرار گیرد.

محمودی همایون، صالحی نجف آبادی عباس، ترابی قاسم. تبیین و تحلیل جایگاه سلفی گری در استان کردستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران. فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران 1405; 5(1): e242254. doi: 10.30510/pssci.2025.542609.1324

فهرست منابع

- دانستنی های سیاسی (۱۳۹۳). درآمدی بر سلفی گری ، بهائیت و عرفان های کاذب، تهران: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- اعظم آزاده ، منصوره ، بقالی پور ، هاوژین (۱۳۹۱). تحلیل جامعه شناسی سلفی گری به مثابه یکی از منابع هویت ساز در کردستان ایران.
- افتخاری ، اصغر (۱۳۷۹)، (امنیت در حال گذر) تحول معنایی امنیت در قرن بیست و یکم، فصلنامه مطالعات راهبردی ، سال سوم ، شماره ۱۴.
- تاجیک ، محمد (۱۳۷۷)، " قدرت و امنیت در عصر پسا مدرن "، نشریه گفتمان، شماره ۴.
- دلاور پور ، مصطفی (۱۳۸۸)، " آسیب شناسی فرقه وهابیت از رویکرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران "، مجله پگاه حوزه ، شماره ۲۷۳.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۷) ، سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات ، قم: مسجد مقدس جمکران.
- لطفی مصطفی (۱۳۹۰). الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران ، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی ، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی ، تهران : پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نوید نیا ، منیژه (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی. تهران : پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قرآن کریم: سوره مائده (۹۵) و سوره انفال (۳۸).
- طبسی، نجم الدین (۱۳۸۵)، سلف در گذر تاریخ، ترجمه مصطفی داداش زاده، قم: انتشارات امیر العلم، چ اول.
- هوشنگی، حسین و احمد پاکتچی (۱۳۹۰)، بنیاد گرایی و سلفیه؛ بازشناسی طیفی از جریان های دینی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- البوطی، رمضان (۱۳۸۷)، سلفیه بدعت یا مذهب، ترجمه حسن صابری، مشهد: آستان قدس رضوی.

- فیرحی، داوود (۱۳۹۳)، «داعش: ارهاب و آتش پاره‌های زمین»، پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش‌های موسسه فرهنگی و هنری رصد، تاریخ انتشار ۲۱ تیر ۱۳۹۳، کد خبر ۲۶۳۱۰. بازدید در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۹۷. <http://rasad.org/fa/new>
- صادقی‌زاده، سلمان (۱۳۹۵)، «مبانی فقهی خشونت داعش»، داعش حقیقی و حقیقت داعش، به اهتمام محمد حسن حبیبیان، تهران: پژوهش‌کده مطالعات کاربردی قلم.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۹)، «اصحاب حدیث»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۹، تهران: مرکز دایره المعارف اسلامی.
- حیدری نسب، محمد باقر (۱۳۹۱)، اندیشه‌های سلفی‌گری در استان سیستان و بلوچستان، قم: انتشارات آشیانه مهر.
- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۹۱)، دایره المعارف نوین اسلام، ترجمه و تحقیق زیر نظر حسن طارمی، محمد دشتی و مهدی دشتی، تهران: نشر کتاب مرجع، نشر کنگره، ج ۳.
- دکمجیان، هرایی (۱۳۹۰)، جنبش‌های اسلامی در اسلام معاصر؛ بررسی پدیده بنیادگرایی، ترجمه حمید احمدی، چاپ ششم، تهران: کیهان.
- منابع انگلیسی

- f.n.trager and p.s kronenberg , national security and American society , Lawrence, university press of Kansas,1973,p.35-36
- Jong, Abbas, and Saman Ebrahimzadeh. "Ahmad Moftizadeh and the Idea of the Islamic Government: A Discursive Tradition Analysis in the Field of Political Islam." *Religions* 15 no. 2 (2024): 220.